

بنام خدا

دلایل حقوقی حاکمیت ایران بر جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی

به وسیله:

حسین حسین زاده

پایان نامه

ارائه شده به معاونت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیتهای لازم برای اخذ  
درجه کارشناسی ارشد

در رشته:

حقوق بین الملل

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه عالی

امضاء اعضاء کمیته پایان نامه:

دکتر نادر مردانی استادیار حقوق بین الملل (رئیس کمیته)  
دکتر فرهاد طلائی استادیار حقوق بین الملل  
دکتر بهرام اخوان کاظمی استادیار علوم سیاسی

بهمن ماه ۱۳۸۰

۶۱۲۸۲

## چکیده

### دلایل حقوقی حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی

به وسیله:

#### حسین حسین زاده

رساله حاضر، کنکاشی درباره دلایل حقوقی حاکمیت ایران بر جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک (جزایر تنب) و ابوموسی می باشد. این رساله حاوی چهار فصل است. در فصل اول علاوه بر توضیح و تشریح مفاهیم، به تجزیه و تحلیل اجمالی موضوع مورد بحث و اهمیت آن، مناطق دریائی و صلاحیت امارات عربی متحده - باتوجه به تحت‌الحمایگی بریتانیا بودن - از حیث تصرف و انعقاد تفاهم نامه ۱۹۷۱ و مسایل مربوطه از دیدگاه حقوق بین الملل پرداخته شده است، تا مبنای مباحث فصول بعد قرار گیرد.

در فصل دوم ضمن بررسی سابقه تاریخی حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه، به تجزیه و تحلیل عوامل دخالت بریتانیا در جزایر تنب و ابوموسی پرداخته و با استناد به اسناد معتبر و گویا حاکمیت ایران بر این جزایر اثبات شده و اشاره ای هم به ادعاهای ساختگی و مشابه بریتانیا برای اشغال این جزایر به عمل آمده است. در فصول سوم و چهارم، به ترتیب دلایل حاکمیت ایران و امارات عربی متحده بر جزایر سه گانه از دیدگاه حقوقی بررسی شده اند و این نتیجه حاصل شده است که حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی از قبل از میلاد مسیح (ع) تا اواخر قرن نوزدهم میلادی به صورت مقتدرانه و بدون اعتراض از سوی دولتهای دیگر استمرار داشته است و در طول قرن نوزدهم مقامات سیاسی انگلیس بر این باور بودند که جزایر فوق بخشی از سرزمین ایران می باشند. این واقعیت در بسیاری از اسناد، مکاتبات و نقشه های معتبری که توسط صاحب منصبان سیاسی و دریائی بریتانیا تهیه شده، انعکاس یافته و بارها مورد تأیید و تصدیق بریتانیا واقع شده اند. اما بنابر مقتضای اهداف و منافع بریتانیا در اوایل قرن بیستم، بریتانیا کوشش نمود تا این جزایر را از حاکمیت ایران خارج نموده و تحت حاکمیت حاکمان محلی شارجه و رأس الخیمه قرار دهد و منکر تمام حقوق تاریخی ایران نسبت به این جزایر گردید و این جزایر را به مدت ۶۸ سال از تصرف ایران جدا نمود که عاقبت با پیگیری های مستمر و استدلالهای حقوقی ایران و نیز براساس تفاهم نامه ۱۹۷۱ بین ایران و شارجه با نظارت بریتانیا این جزایر سه گانه به ایران عودت داده شدند.

ب

۴۱۲۸۲

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	فصل اول: کلیات
۴	مبحث اول: موضوع بحث و اهمیت آن
۹	گفتار اول: تحت الحمایگی و شرایط آن
۱۱	گفتار دوم: اشغال یا تصرف
۱۱	شرایط اشغال یا تصرف
۱۲	تفاوت هجوم با اشغال
۱۳	آثار حقوقی ناشی از اشغال نظامی و تصرف
۱۳	گفتار سوم: مالکیت ناشی از تصرف بلاعارض
۱۵	مناقشه و موارد استعمال آن
۱۷	گفتار چهارم: مرور زمان و مباحث مربوط به آن
۱۷	دلایل و مبنای اعتبار مرور زمان از دیدگاه دکترین حقوق
۱۸	ضرورت پذیرش قاعده مرور زمان
۱۸	شرایط و ضوابط توسل به قاعده مرور زمان
۲۰	مبحث دوم: حقوق دریاها و تقسیمات مناطق آن
۲۰	گفتار اول: تعاریف اصطلاحات
۲۰	معیار خط مبدأ و انواع آن
۲۱	شرایط ترسیم خطوط مبدأ مستقیم
۲۱	انواع آبهای دریائی
۲۴	خلیج‌های تاریخی
۲۴	گفتار دوم: فلات قاره
۲۷	نظام حقوقی فلات قاره
۲۸	حدود فلات قاره
۳۰	گفتار سوم: جزایر و تعیین حدود

۳۱	نحوه تحدید حدود جزایر نزدیک به ساحل
۳۲	نحوه تحدید حدود جزایر دور از ساحل
۳۴	گفتار چهارم: دریای بسته و تعیین مرز دریائی
۳۵	زرف آب (خط القمر) تالوک
۳۷	فصل دوم: جزایر تنب و ابوموسی در گذر تاریخ
۳۷	مبحث اول: سابقه تاریخی یا تاریخچه حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه
۳۸	وضع جزایر در طول قرن نوزدهم
۳۹	گفتار اول: بریتانیا و جزایر ایرانی تنب و ابوموسی
۴۲	علت تغییر عقیده ناگهانی بریتانیا نسبت به جزایر
۴۷	گفتار دوم: علل اشغال جزایر تنب و ابوموسی توسط بریتانیا
۵۰	تلاش ایران برای اعمال حاکمیت مؤثرتر
۵۱	ایجاد نیروی دریائی
۵۲	طرح تغییر تقسیمات کشوری و مأموران دولتی
۵۳	برقراری روابط نزدیک با شیوخ منطقه
۵۶	استقرار پست گمرکی
۵۷	نصب پرچم ایران در جزایر تنب و ابوموسی
۵۹	مبحث دوم: چالش کشورهای بریتانیا، آلمان و روسیه در خصوص جزایر
۵۹	گفتار اول: تلاش کشورهای آلمان، فرانسه و روسیه جهت نفوذ در خلیج فارس
۶۲	واکنش بریتانیا در مقابل نفوذ روسیه
۶۶	گزارش کارگزار سیاسی بریتانیا...
۶۹	گفتار دوم: اماره حاکمیت ایران و وجود تزلزل در اسناد و استدلال بریتانیا
۷۱	تلگراف وزیر خارجه بریتانیا به نماینده سیاسی خود در خلیج فارس
۷۳	تلگراف نماینده بریتانیا به نماینده سیاسی خود در خلیج فارس
۷۳	گفتار سوم: شورای امنیت و جزایر تنب و ابوموسی
۷۴	نطق نماینده عراق، کویت، الجزایر و یمن در سازمان ملل متحد
۷۵	نطق نماینده ایران در سازمان ملل متحد

۷۹	ماجرای کشتی خاطر (متعلق به شارجه)
۸۰	گفتار چهارم: خصوصیات خلیج فارس و جزایر مربوط به آن
۸۱	موقعیت استراتژیکی ایران و عکس العمل او
۸۴	مرزهای دریائی واقع در خلیج فارس
۸۸	اختلاف مرزی حل نشده بحرین و قطر
۹۱	علل واکنش ایران نسبت به دگرگونی‌های ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس
۹۴	فصل سوم: دلایل ایران بر حاکمیت جزایر تنب و ابوموسی
۹۴	مبحث اول: دلایل ایران بر حاکمیت جزایر تنب و ابوموسی
۹۴	گفتار اول: دلیل اول (حقوق تاریخی ایران) بر جزایر سه گانه
۹۵	مبنای استناد حقوق تاریخی بریتانیا و امارات
۹۶	ایران و کرانه‌های جنوبی خلیج فارس از ایلامیان تا ساسانیان
۹۸	ایران و کرانه‌های جنوبی خلیج فارس از ساسانیان تا ظهور صفویه
۱۰۰	ایران و کرانه‌های جنوبی خلیج فارس از صفویه تا نادرشاه
۱۰۱	گفتار دوم: قواسم و جزایر ایرانی تنب و ابوموسی
۱۰۲	مهاجرت یا تجاوزات قواسم به جزایر تنب و ابوموسی
۱۰۳	قواسم و جزایر از دیدگاه شخصیت‌های علمی و سیاسی
۱۰۳	اجاره از دیدگاه حقوق بین الملل
۱۰۴	اصل و نسب قواسم
۱۰۸	گفتار سوم: مداخلات بریتانیا در جزایر ایرانی تنب و ابوموسی
۱۰۸	عکس العمل ایران در مقابل اقدامات کایر
۱۰۹	بایان خودمختاری قواسم بندر لنگه
۱۰۹	ادعای بریتانیا و سؤالات مطرح در این موضوع
۱۱۱	لرد کرزن، سر دنیس رایت و جزایر سه گانه
۱۱۴	مذاکرات تیمور تاش با کلابو و گزارش او به لندن
۱۱۸	مبحث دوم: دلیل دوم ایران «ایرانی بودن نام جزایر تنب و ابوموسی»
۱۱۸	گفتار اول: استعمال واژه «خلیج فارس» و دیدگاه حقوق دانان

- ۱۲۱ فلسفه نام‌گذاری خلیج فارس در سایر منابع
- ۱۲۳ گفتار دوم: ایرانی بودن نام جزایر تنب و ابوموسی
- ۱۲۴ علت نام‌گذاری جزایر به تنب و ابوموسی
- ۱۲۴ علت استعمال کلمه «ابوموسی» در مورد جزیره ابوموسی
- ۱۲۷ مبحث سوم: دلیل سوم ایران «تفاهم‌نامه ۱۹۷۱»
- ۱۲۷ گفتار اول: تفاهم‌نامه ۱۹۷۱
- ۱۲۹ تعاریف اصطلاحات
- ۱۳۰ متن یادداشت تفاهم
- ۱۳۲ ایراد بر مقدمه یادداشت تفاهم ۱۹۷۱
- ۱۳۳ گفتار دوم: بررسی حقوقی بندهای تفاهم‌نامه ۱۹۷۱
- ۱۳۷ پاسخ شیخ خالد به وزیر امور خارجه ایران
- ۱۳۷ الزام آور بودن تفاهم‌نامه ۱۹۷۱
- ۱۳۹ صلاحیت شارجه برای امضای یادداشت تفاهم
- ۱۴۱ گفتار سوم: تشریح مفاهیم یادداشت تفاهم ۱۹۷۱
- استعمال واژه «سرزمین مورد منازعه» و اجباری یا اختیاری بودن تفاهم‌نامه از دیدگاه
- ۱۴۱ حقوق دانان و کنوانسیون‌های بین‌المللی
- ۱۴۵ مراحل امضاء و مبادله تفاهم‌نامه
- ۱۴۶ دیدگاه حقوق دانان نسبت به اعمال حاکمیت بر جزایر ابوموسی با توجه به تفاهم‌نامه
- ۱۴۶ بررسی و نقد مسأله حاکمیت بر جزیره ابوموسی
- ۱۴۸ مکاتبات داگلاس هیوم و خلعتبری و نتیجه‌گیری منطقی از آنها
- ۱۵۰ مبحث چهارم: دلیل چهارم ایران بر حاکمیت بر جزایر تنب و ابوموسی «اسناد» و گزارشات»
- ۱۵۰ گفتار اول: بررسی اسناد
- ۱۵۱ گزارشات رسمی بریتانیا
- ۱۵۱ ۱. گزارش سر جان ملکم
- ۱۵۱ ۲. گزارش کاپیتان هین
- ۱۵۱ ۳. گزارش کاپیتان جورج بارنس بروکس

۱۵۲	۴. گزارش کلنل رابرت تیلور
۱۵۲	۵. گزارش آرنولد بوراوز کمبال
۱۵۲	۶. گزارش کاپیتان استیف و کنستابل
۱۵۲	۷. گزارش ادوارد. سی. راس
۱۵۲	۸. گزارش «Administrative Reports»
۱۵۳	۱۰. گزارش بریتانیا و حکومت انگلیسی هند
۱۵۳	۱۱. گزارش کلنل کمبال
۱۵۳	۱۲. گزارش مارلینگ
۱۵۴	گفتار دوم: اسناد
۱۵۵	خطوط محدودیت
۱۵۸	مبحث پنجم: دلیل پنجم ایران بر حاکمیت «نقشه‌ها»
۱۵۸	گفتار اول: نقشه‌ها
۱۵۸	نقشه‌های رسمی
۱۶۲	نقشه‌های نیمه رسمی
۱۶۳	نقشه‌های غیر رسمی
۱۶۴	گفتار دوم: دیدگاه اعراب نسبت به اسناد و نقشه‌ها
۱۶۴	دیدگاه امارات متحد عربی نسبت به نقشه ۱۸۸۶
۱۶۵	بیان نظرات محمدبن عبدالرکن و نقد آن
۱۶۷	پیامد حقوقی اسناد و نقشه‌ها
۱۶۸	پاسخ و پرسش
۱۶۹	قاعده استوپل و جزایر
۱۷۸	فصل چهارم: بررسی ادله امارت متحده عربی نسبت به حاکمیت بر جزایر تنب و ابوموسی
۱۷۸	مبحث اول: کلیات
۱۷۸	تعاریف جغرافیائی سیاسی، ژئوپلیتیک و منطقه آن
۱۷۹	موقعیت جغرافیائی جزایر
۱۸۱	تابعیت جزایر تنب و ابوموسی

۱۸۱	اهمیت جزایر و جمعیت آنان
۱۸۳	گفتار اول: پیدایش امارت عربی متحده
۱۸۶	اعلامیه وزارت امور خارجه ایران
۱۸۶	تقدّم در تصرف
۱۸۸	نقد مدعای بریتانیا و امارات
۱۹۳	گفتار دوم: اصل مرور زمان (دومین دلیل امارات)
۱۹۴	داوری چمپزل بین آمریکا و مکزیک
۱۹۵	مدت زمان لازم برای ایجاد حق از طریق مرور زمان
۱۹۶	گفتار سوم: عرب بودن ساکنان جزایر سه گانه (دلیل سوم)
۱۹۸	علت تنزل جمعیت ایرانی در جزایر سه گانه
۱۹۹	مبحث دوم: بررسی چهارمین و پنجمین دلیل امارات
۱۹۹	گفتار اول: ادعای مسئولیت دوگانه برای حکام لنگه (دلیل چهارم)
۲۰۱	علل تغییر موضع ناگهانی بریتانیا نسبت به جزایر
۲۰۴	ادله ایران بر ردّ ادعای مسئولیت دوگانه
۲۰۴	گفتار دوم: اسناد امارات بر مدعای خود
۲۰۵	نامه اول
۲۰۵	نامه دوم
۲۰۵	نامه سوم
۲۰۶	نقد و تجزیه و تحلیل نامه های مورد استناد بریتانیا
۲۰۹	گفتار سوم: بررسی دلیل ششم و هفتم امارات عربی متحده
۲۱۰	ادعای تحمیلی بودن تفاهم نامه نوامبر ۱۹۷۱
۲۱۱	بررسی هفتمین دلیل (پایین بودن جزیره ابوموسی از خط منصف یا خط میانه
۲۱۴	خط میانه یا منصف «Median Line»
۲۱۶	جایگاه خط میانه در کنوانسیون های بین المللی
۲۲۰	نتیجه گیری و ارائه راه حل های کاربردی
۲۲۱	موقعیت جغرافیائی خلیج فارس



۲۲۹

پیوست

۲۳۰

منابع

۲۳۰

کتاب و مقالات فارسی

۲۳۵

کتاب و مقالات انگلیسی

چکیده و صفحه عنوان به انگلیسی

## مقدمه

با توجه به این که جزایر تنب و ابوموسی در نقاط مرکزی خلیج فارس قرار دارند، طبق اصل پذیرفته شده «تعریف و توصیف اجزاء بدون توجه به کل نادرست می‌باشد» لذا ما یک نظر حقوقی و سیاسی به مقررات و وضعیت حقوقی خلیج فارس خواهیم داشت. چون که خلیج فارس یک دریای بسته یا نیمه بسته است، پس وضع حقوقی آن باید به یک روال اجرا گردد نه این که در یک گوشه آن یک قانون خاص و در گوشه دیگر قانون دیگر اعمال گردد. در خلیج فارس قریب به ۱۳۰ جزیره کوچک و بزرگ وجود دارد که بر اثر معین نبودن خط مرزی بین هشت کشور حاشیه خلیج فارس این جزایر اکثراً بر سر اعمال حاکمیت مورد نزاع واقع شده‌اند و اتفاق نظر بر حاکمیت بیشترین آنها وجود ندارد، در میان این جزایر، پرهیاهوترین آنها جزایر تنب و ابوموسی است که قریب به یک قرن و نیم است که مورد اختلاف ایران و امارات متحده عربی قرار گرفته است. نگاهی به نقشه خلیج فارس، که در پایان این فصل و ابتدای فصل سوم مورد مطالعه قرار گرفته است، برای درک موقعیت سوق الجیشی امارات کافی است. این موقعیت مساعد جغرافیایی آنگاه تکمیل و تفسیر خواهد شد که سه جزیره ارزشمند ایرانی در کنار آن قرار گیرد. بسیار بدیهی است که هدف از طرح ناقص این ادعاها همان گونه که سالها امپراتوری بریتانیا عمل کرده بود، این است که این جزایر در اختیار دولت ایران قرار نگیرد. رنگ و بوی سیاسی داشتن این فعل و انفعالات از تمسک به دلایل واهی آنان محسوس است. لذا برای رسیدن به این هدف گاه از ایران خواسته می‌شود تا حاکمیت خود را بر جزایر اثبات کند. زمانی بیگانگان با آتش افروزی خواهان تغییر سیاست ایران شده، اعاده حاکمیت بر سه جزیره را بیانگر موضع تجاوزکارانه می‌دانند و زمانی دیگر خواهان ارجاع مسأله به مراجع بین‌المللی هستند. ولی ایران از سال ۱۹۷۱ موضوع جزایر را مسأله‌ای تمام شده، تلقی کرده، با مواضعی روشن و دلایل متقن آنها را جزئی جدای ناپذیر و غیرقابل تفکیک از قلمرو خود دانسته و اعتقاد دارد که هیچ کشوری در عالم متمدن قرنهای نوزده و بیست پیدا نشده که مالکیت و حاکمیت خود را به بحث گذاشته باشد، تا

دولت ایران دومی آنها باشد، وضعیت فعلی دنیا در حال حرکت به سمت آرمانی است که تنها راه برطرف نمودن سوء تفاهمات را فقط از طریق گفتگوی حضوری طرفین میسر و با دوام می‌دانند و کشورهای ثالث، که حیات آنها در گرو ماجراجویی و تفرقه‌افکنی است، مداخله نکنند.

جزایر تنب و ابوموسی به همراه فارور، قشم، هنگام و لارک مجموعه‌ای از جزایر تحت حاکمیت ایران در خلیج فارس را تشکیل می‌دهند. دسترسی به تنگه هرمز و اهمیت استراتژیکی تسلط بر این مجموعه علت چشم طمع بریتانیا از قرن نوزدهم بود. ولی چون تصرف و اشغال آنها برای بریتانیا مسأله برانگیز و غیرقابل توجیه بود لذا در ژانویه ۱۹۰۳ نماینده سیاسی بریتانیا در خلیج فارس پرچم دو امیرنشین تحت‌الحمایه خود، شارجه و راس‌الخیمه را به ترتیب در جزایر ابوموسی و تنب به اهتزاز درآورد. دولت ایران ضمن اعتراض شدید به این بدعت شوم آن را نقض آشکار اصول و قواعد حقوق بین‌الملل تلقی نمود. اما چون کشورها بازیچه سیاست‌های مرموزانه استعمارگران واقع شده‌اند کاری از پیش برده نمی‌شود. در اینجا است که سیاست چماق و هویج تفسیر می‌گردد.

شیخ زاید بن سلطان رئیس امارات عربی متحده در مراسم بیست و پنجمین سالگرد استقلال کشورش، پس از پیمان نظامی انگلیس و آمریکا و فرانسه که در آنها بر حمایت امارات و حاکمیت او بر جزایر تاکید شده بود، در برابر سربازان اماراتی که با تانک‌های ساخت فرانسه و انگلیس و آمریکا رژه می‌رفتند گفت که کشورش مصمم به بازپس‌گیری «جزایر اشغالی» است و از ایران می‌خواهد که آماده مذاکره دوجانبه یا از طریق دیوان لاهه به حل و فصل مسأله آمیز مسأله جزایر رضایت دهد.

اظهارات مذکور ۵ سال پس از بحران جزایر تنب و ابوموسی در سال ۱۹۹۲ صورت گرفت و از آنجا مشخص شد که همان کشورهایی که با انعقاد پیمان نظامی و فروش تسلیحات نظامی به امارات و سایر کشورهای جنوبی خلیج فارس بیشترین منافع را تحصیل کرده‌اند و فروش تسلیحات نظامی به امارات و سایر کشورهای جنوبی خلیج فارس بیشترین منافع را تحصیل کرده‌اند همین حمایت‌های پنهان و آشکار کشورهای ثالث عامل بحران و بیان چنین سخنانی است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که رفتار نسنجیده افراد بی‌تجربه در سیاست خارجی به این اختلاف دامن زده‌اند، زیرا درست زمانی که مقامات عربی متحده اظهارات مذکور را بیان می‌کردند وزیر کشور یا وزیر خارجه ایران به عنوان پیک صلح و دوستی و تبریک در آن کشور بسر

می‌برد و هیچ‌گونه واکنشی نشان نداد. اولین پیام این رفتار این بود که ایران نیازمند حفظ گسترش روابط با امارات‌ها است و حتی در شرایطی که آنها علیه ایران سخن می‌گویند برای آنها پیک می‌فرستد. پیام دوم این حضور تایید سخنان آنها و مصمم نمودن آنها در آنچه که ادعا دارند می‌باشد و از طرفی امارات آن را حمل بر موضع ضعف ما نمود واقعیت این است که کشورهای جنوبی خلیج فارس بیشتر به توسعه روابط با ایران نیاز دارند. زیرا این دلیل دوستی با ایران برای بقاء آنها لازم است. اما روابط ما با این کشورها باید در حد متعارف و متناسب با ظرفیت آنها باشد. باید با شیوخ خلیج فارس در حد یک رئیس قبیله رفتار کرد.

علمای حقوق به این نکته توجه دارند که جایگاه حقوق در تئوری و عمل متفاوت است تا جایی که در بیشتر مواقع که حقوق تأمین منافع صاحبان قدرت را نماید قابلیت اجرا پیدا نمی‌کند. لذا از اساتید محترم تقاضا می‌شود هنگام تدریس نظری هم به فضای عملی مدعیان و مدافعان حقوق داشته باشند تا دانشجویان واجد جامعیت باشند و در زبان محاورات، منطق آنها در برابر شواهد و قرائن و تحلیل‌های عامیانه عوام با شکست مواجه نگردد. یعنی در بحث نظری حقوق کلاسیک را تشریح نماید ولی متذکر گردد که بحث عملی فضای دیگری است.

## فصل اول کلیات

### مبحث اول: موضوع بحث و اهمیت آن

با توجه به این که می‌خواهیم ادله دولت ایران جهت اثبات حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه را تجزیه و تحلیل نمائیم، برای سهل‌الوصول بودن و سریع‌تر به مقصود نایل گشتن نیاز به یک توضیح مختصر داریم و آن این است که محققان اهل تدبر اذعان دارند که مرور زمان همیشه همراه خود اثری دارد که موضوعات را در ظرف زمان خودش مدفون و یا رنگ و لعاب کهنگی بر آن موضوع می‌گستراند لذا برای حل هر مشکلی از نظر حقوقی و رویه قضائی زمان به وجود آمدن و وقوع آن بهترین مقطع برای حل و فصل و فیصله دادن آن و تثبیت موقعیت و جایگاه آن خواهد بود (اثبات موضوع). بنابراین چونکه با مرور زمان امکان دستبرد به اسناد و مدارک و محو آثار و به هم زدن صورت سانحه وجود دارد پس ما اگر بخواهیم تصویر یک حادثه گذشته را مستند اثبات حق خویش ارائه نمائیم انسلاخ از تمام فعل و انفعالات زمان حال که در آن ظرف زمانی قرار گرفته‌ایم لازم است به این که به جای کسانی که از قبل بوده‌اند بنشینیم. از طرفی ما می‌دانیم که زمان را از قدیم به جدید انتقال دادن نیز مقدور ما نیست لذا ما مکلفیم موضوع حاکمیت بر جزایر را با تمام توان در جهت اثبات حقانیت خویش از طریق اسناد مقبول و ثبت شده و غیر قابل خدشه و مذاکرات در مجامع جهانی حل و فصل نمائیم.

در سال ۱۹۹۲ امارات عربی متحده بعد از بیست سال سکوت به بهانه‌های مختلف مثل جریان کشتی خاطر و ... ادعاهای بی‌اساس خود را نسبت به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی مطرح کرد. این جزایر تا سال ۱۹۰۴ متعلق به ایران و تحت حاکمیت ایران بودند، اما در این سال دولت بریتانیا با توجه به اوضاع و احوال خاص آن مقطع زمانی و موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک نظامی آنها را اشغال نمود. تا این که در سال ۱۹۶۸ با اعلام خروج خود تا سال ۱۹۷۱ از منطقه خلیج فارس، با پی‌گیری‌های دولت ایران اختلاف مربوط به جزایر با رضایت و نظارت بریتانیا در پرتو تفاهم‌نامه ۱۹۷۱ بین ایران و شارجه حل و فصل و حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه اعاده گردید.

امارت در کمال آگاهی و طیب نفس و استقبال حل و فصل مورد اختلاف را پذیرفته و تا سال ۱۹۹۲ نیز با ایران همکاری و از طرح مسأله مورد اختلاف خودداری نموده، تا این که مدیرکل وزارت خارجه امارات عربی متحده در سپتامبر ۱۹۹۲ ادعا نمود که حاکمیت بر جزایر تنب و ابوموسی از «دوران‌های دیرباز» از آن دولت امارات بوده است. وزیر امور خارجه این کشور نیز در سخنرانی خود در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲ در مجمع عمومی سازمان ملل ادعا کرد که این جزایر «از آغاز تاریخ» متعلق به امارات بوده است! معلوم نیست مسئولین وزارت خارجه کشوری که از پیدایش آن فقط ۲۵ سال می‌گذرد چگونه سخن از «دوران‌های دیرباز» و یا «آغاز تاریخ» می‌گویند!! آیا ایران هم می‌تواند به تاریخ ۲۵۰۰ ساله خود استناد کند؟ واقعیت امر این است که اگر قرار باشد مرزبندی‌های جغرافیائی در منطقه براساس ادعاهای تاریخی معین شود، در این صورت اعراب منطقه بازنده اصلی و بیش از دیگران متضرر خواهند شد. استناد به حقوق تاریخی در نهایت به نفع کشوری است، که از پیشینه تاریخی و تمدنی کهن برخوردار باشد مانند ایران، چونکه در صورت استناد به حقوق تاریخی پرچم ایران تا کرانه‌های رود نیل، به اهتزاز در خواهد آمد، در آن صورت نه تنها جزایر تنب و ابوموسی، بلکه تمام کشورها و مناطق جنوبی خلیج فارس شامل عمان، امارات عربی متحده، قطر، بحرین، سواحل شرقی عربستان در خلیج فارس... که از آغاز تاریخ تا اواسط قرن هیجدهم جزو سرزمین ایران بوده‌اند باید به ایران بازپس داده شوند و حاکمیت ایران بر آنها اعمال گردد!!<sup>۱</sup>

#### اهمیت موضوع:

موضوع حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی و طرح ادعاهای ارضی امارات نسبت به آنها برای نظام ج.ا.ا از تمام ابعاد چه سیاسی چه استراتژیکی در محافل دیپلماتیک منطقه و جهان حائز اهمیت بوده و هست. از آنجا که حفظ تمامیت ارضی ایران و آگاهی از مسائل مربوط به آن جهت ثبات منطقه لازم و ضروری است، و با عنایت به مطالب القائی و غیر واقعی که از طرف دولت‌های دست‌نشانده به اشاره اربابان آنها پیرامون موضوع مطرح و منتشر می‌گردد، لذا اهمیت تبیین حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه و بیان ادله طرفین و نقد عملکرد غیر منطقی و غیر حقوقی بریتانیا در اشغال ابتدائی جزایر و حل و فصل ناتمام بحران ایجادشده توسط خود بریتانیا، بیش از پیش آشکار می‌گردد.

حال با توجه به موارد مذکور، کار تحقیق مورد ملاحظه حاوی مطالبی است که از یک سو

برطرف کننده نقایص تک بعدی تالیفات و مقالات تدوین شده و از سوی دیگر دربر دارنده مطالب مناسب با اقتضای زمان و مکان و ارائه دهنده راه‌حلهای عملی مفیدی برای خاتمه دادن به موضوع مورد اختلاف و موضوعات متشابه دیگر می‌باشد، که تفصیل آن در فصول آتی به صورت مستدل و مبرهن خدمت محققان محترم تقدیم می‌گردد.

سابقه موضوع:

اگرچه کتب و مقالات و نطق‌های زیادی در باب حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی تألیف و بیان گردیده است، ولی این مباحث اغلب جنبه تاریخی صرف و یا موضع‌گیری سیاسی بوده است و ادعاهای بریتانیا و امارات عربی متحده و منشأ این ادعاها نسبت به این جزایر کم‌تر مورد تجزیه و تحلیل حقوقی به طور تفصیلی قرار گرفته است. البته مقالات و جزوات و تألیفاتی منتشر شده که هر کدام از زوایه خاصی پیرامون موضوع بحث و بررسی نموده‌اند. اغلب اینها نیز به تاریخ دقیق و علل واقعی ظهور این اختلاف و عوامل استمرار آن توجهی نشان نداده‌اند.

محدودیت‌های طرح تحقیق:

از آنجا که نقش اصلی این موضوع و موضوعات مشابه را صاحبان قدرت بازی کرده‌اند و با عنایت به کلمات منسوب به آنها، «در جنگ همه چیز مجاز و قانونی است» و یا «مرز کجا است؟ آنجا که توپخانه مستقر است» و از طرفی این اختلاف در هیچ دادگاه صالحی مورد بررسی و رسیدگی قرار نگرفته است، لذا کار ما از جهت رسیدن به مواضع واقعی و استدلال‌های طرفین مشکل به نظر می‌رسد.

روش تحقیق:

روش مطالعه این کار تحقیقی، روش حقوقی و تاریخی و تحلیلی است. از این نظر حقوقی است که ادله طرفین مورد نقد و تجزیه و تحلیل حقوقی قرار می‌گیرد. تاریخی است چونکه تاریخ اختلافات طرفین پیرامون جزایر تنب و ابوموسی را بررسی می‌نماید و تحلیلی است چونکه ادعاهای طرفین (انگلیس، اعراب و ایران) را مورد مقایسه قرار خواهد داد.

مطالب این کار تحقیقی از منابع مختلف مثل اسناد منتشر شده وزارت امور خارجه ایران و انگلیس، نقشه‌های رسمی و غیر رسمی و دائرةالمعارف‌ها و کتب و مقالات منتشره پیرامون موضوع خواهد بود.